



پیش درآمد

در سیره درخشان پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع)، گفتار و سخنان حکیمانه و دلنشین آنها، بخش مهمی از فرهنگ زندگی آنها است، و در این بخش، فصل برجسته و بالنده ای از دعاها و مناجات های آنان را تشکیل می دهد، که به راستی می توان آن ها را کلاس بزرگی برای آموزش عرفان، اخلاق، شیوه های عالی زندگی، و فرهنگ ناب پاک سازی و بهسازی نام برد. بنابراین لازم است این فصل بالنده را در متن زندگی قرار داد، و از آن اکثر بهره برداری صحیح را در راستای تعالی و تکامل و پیروزی همه جانبه در همه عرصه ها نمود.

مناجات ها و دعاهایی همچون مناجات های امیرمؤمنان علی (ع) و دعای کمیل و مناجات شعبانیه او، و مناجات ها و دعاها ی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به ویژه دعای عرفه امام حسین (ع) و دعاها ی صحیفه سجادیه و... که حضرت امام قدس سره در مورد بهره برداری از این دعاها بسیار سفارش می کرد، و آنها را قرآن صاعد می خواند، یعنی آنها را برگرفته از قرآن و وحی الهی می دانست، که از زبان معصومان (ع) و اولیای ممتاز خدا، به سوی ملکوت صعود می کند، و انسان را همراه این براق صعود، به سوی سرچشمه زلال ملکوت و کمالات اعلی به بالا و بالاها می برد. برای روشن شدن مطلب کافی است که به فرازی از نوشتار امام خمینی قدس سره پیرامون صحیفه سجادیه توجه کنیم: «صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است، و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوت گاه انس است... آن کتابی است الهی که از سرچشمه نور الله نشأت گرفته، و طریقه سلوک اولیاء بزرگ و اوصیاء عظیم الشان الهی است که در آن همه گونه نعمت موجود است، و هر کس به مقدار اشتغای معنوی خود از آن استفاده می کند.» (1)

نتیجه این که: از دعاها ی معصومان (ع) و دعای امام عصر (عج) که در حقیقت در سلک صحیفه سجادیه است، نباید غافل ماند، و خود را از این قرآن صاعد محروم ساخت. بلکه لازم است برای رشد و تعالی با فراهم نمودن شرایط و حالات، اکثر بهره برداری را از آنها نموده، و از این فرهنگ نورانی، کسب نور نموده و بر صفای باطن، و پاک زیستی و صعود به سوی قلّه عرفان و کمالات استفاده بهینه کرد.

با توجه به این که رسول خدا (ص) فرمود: «الدَّعَاءُ مَخَّ الْعِبَادَةِ؛ (2) دعا جان عبادت است.» و از آیات و روایات

استفاده می شود که باید هنگام دعا به این امور توجه داشت تا بیشتر بهره مند شد:

- 1- توجه به محتوای دعا
- 2- پاک سازی در پرتو دعا
- 3- وصول به جان عبادت در پرتو دعا
- 4- رهایی از اندوه و حزن و نگرانی ها در پرتو دعا
- 5 - ذکر نام های آرام بخش خدا هنگام دعا، و دریافت توحید کامل، و این که همه چیز از آن خدا و در دست خداست.
- 6- بهره مندی از آموزه های عرفانی و اخلاقی از فضای روحانی دعا.

اخلاق از زبان امام عصر (عج)

تردیدی نیست که بزرگ ترین وظایف ما در عصر غیبت که جامع و شامل سایر وظایف است خودسازی با ترک هرگونه رذایل و ضد ارزش ها، و جذب فضایل و ارزش ها است، و این موضوع به طور شایان و عمیق و وسیع و شایسته در پرتو انوار نیایش های پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به دست می آید، و چه بهتر که به سراغ یکی از دعا‌های معروف ولی الله اعظم امام عصر (عج) که با جمله: «اللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ» شروع می شود برویم، تا هم از روحانیت این دعا بهره ببریم، و از تلقین ملکوتی آن از زبان آن ولی الله اعظم (عج) . با توجه به این که نیایشگران و اهل مناجات در پیشگاه امام عصر (عج) به قدری ارزشمندند که آن حضرت در آغاز یکی از دعا‌های خود به خداوند عرض می کند: «الهِیْ بِحَقِّ مَنْ نَاجَاکَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاکَ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ؛ (3) خدایا! به حق هر کس که با تو مناجات کند، و به حق هر که در صحرا و دریا تو را بخواند و دعا کند.»

شرحی پیرامون دعای امام عصر (عج)

از ناحیه مقدّسه امام عصر، حضرت مهدی (عج) دعا‌های مختلفی نقل شده که یکی از دعا‌های معروف آن، دعایی است که با فراز: «اللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ» آغاز می گردد، این دعا از محتوایی بسیار عمیق و عالی برخوردار است که گویی درس های فرهنگی و اخلاقی بسیار مفیدی است که آن بزرگوار در لباس دعا، به پیروانش و به همه حق پرستان آموخته است، درس های سازنده و آموزنده در بیست و شش فراز، که در حقیقت 26 درس مهم برای

انسان هایی است که در میان خصال اخلاقی، هر فرازی از آنها مناسب حال آنها با صفات مخصوص به خود است.

این دعا را که در مفاتیح الجنان محدّث قمی (ره) ذکر شده، علما و محدثین بزرگ و مورد اعتمادی از پیشینیان نقل نموده اند از جمله آنها:

- 1- محدّث و عالم برجسته قرن نهم هجری قمری شیخ تقی الدین کفعمی صاحب کتاب المصباح، و کتاب بلدالامین است این دانشمند محقق در قرن نهم در روستای کفعم از روستاهای جبل عامل لبنان چشم به جهان گشود، و کتاب مصباح را در سال 895 هـ.ق تألیف نمود. (4)
- 2- و نیز عالم و محدث بزرگ سید بن طاووس (م 664 هـ.ق) این دعا را در کتاب مهج الدعوات نقل نموده است، و هر دو نفر از این دو محقق بزرگ، این دعا را نسبت به امام عصر حضرت مهدی (عج) داده، و از ناحیه مقدسه آن بزرگوار نقل نموده اند، و سپس علمای متأخّر مانند علامه مجلسی در زادالمعاد، و محدّث قمی در مفاتیح، و محقق کاشانی در مصابیح الجنان، این دعا را از دو عالم نامبرده نقل نموده اند. ما در این راستا بر آن شدیم که به یاری خداوند، به شرح هر یک از بیست و شش فراز این دعا به صورت بیست و شش درس بزرگ اخلاقی (هر کدام در یک مقاله) پردازیم، به امید آن که در پرتو عنایات خاص امام عصر (عج) بتوانیم از این درس ها و آموزه ها، آن هم از محضر انور آن بزرگوار استفاده شایان کرده، و آثار و برکات آن را در همه زوایای زندگی خود به طور سرشار و آشکار بنگریم، و در نتیجه به سعادت دنیا و آخرت نایل شویم.

دو نکته پیرامون رزق و توفیق

جالب این که در آغاز این دعا، سخن از «رزق و روزی و توفیق» به میان آمده این گونه که می گوئیم: «اللّهم ارزقنا **توفیق الطّاعة**»؛ خدایا! توفیق اطاعت را رزق و روزی ما گردان.» که بیان گر آن است که خصال نیک، و ارزش ها از روزی های معنوی است که همچون رزق و روزی مادی، همواره مورد نیاز است، همان گونه که اگر رزق مادی به انسان نرسد، او قحطی زده شده و در پرتگاه نابودی قرار می گیرد، نرسیدن به رزق معنوی نیز باعث سقوط و هلاکت است، و همان گونه که رزق و روزی مادی، هر روزه و در همه اوقات باید به انسان برسد تا او ادامه حیات بدهد، رزق و روزی معنوی نیز باید همیشگی باشد تا موجب ادامه حیات معنوی گردد. به عبارت روشن تر، رزق و روزی به معنی عطا و بخشش مستمر و بهره ای از خیر و برکت الهی به طور مداوم است که هم شامل غذای جسم و خوراک روزانه و هرگونه روزی مادی مانند لباس و خانه و مرکب و باغ و... می شود، شامل روزی های معنوی مانند ارزش ها و صفات نیک نیز می شود.

و معنی وسیعی دارد، بلکه رزق و روزی اصلی همین روزی معنوی است، و در دعاها تعبیر به رزق در مورد روزی های معنوی بسیار به کار رفته است، و در قرآن نیز، رزق به معنی عام و جامع است، و شامل امور مادی و معنوی خواهد شد، مثلاً در قرآن می خوانیم: «**فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ**» (5) آنها که ایمان

آوردند و عمل صالح انجام دادند، آموزش و روزی ارزشمندی برای آنها است.»

با توجه به این که واژه کریم به معنی هر موجود شریف و پر ارزش است، بنابراین رزق کریم، شامل هر روزی ارزشمند از مادی و معنوی می شود، و دارای مفهوم و معنی گسترده ای است که فراگیرنده هرگونه نعمت های عالی از مادی و معنوی است، چنان که راغب لغت شناس معروف قرآن، رزق کریم را، شامل عموم روزی های شایسته از مادی و معنوی گرفته است. (6)

و در میان ده ها بلکه صدها دعا که از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) نقل شده، واژه رزق در مورد امور معنوی به کار رفته است، به عنوان نمونه نظر شما را به چند مورد جلب می کنیم:

در فرازی از یکی از دعاهای امام سجاد (ع) آمده: «اللّٰهُمَّ ارزُقْنِي صِلَةَ قَرَابَتِي...»؛ (7) خدایا رابطه نیک با خویشاوندانم، و حج قبول شده، و عمل نیک مورد پسندت را به من روزی گردان.» و در دعای دیگر آن حضرت آمده: «خدایا! قلب خاشع و خاضع و هراسانی از خوف خدا، و بدن صابر، و زبان ذاکر و حمد کننده، و یقین راستین، و روزی گسترده و علم مفید به من روزی گردان.» (8)

و در فراز دیگر آمده: «اللّٰهُمَّ ارزُقْنِي قَلْباً تَقِيّاً نَقِيّاً؛» (9) خدایا! دل پاک و پاکیزه به من روزی کن.» روایت شده روزی یکی از اصحاب بسیار نیک پیامبر (ص) به نام حارثه بن سراقه به پیامبر (ص) عرض کرد: از خدا بخواه مقام شهادت را نصیبم گرداند، پیامبر (ص) چنین دعا کرد: «اللّٰهُمَّ ارزُقْ حَارِثَةَ الشَّهَادَةِ؛ خداوندا! مقام شهادت را به حارثه روزی گردان.» طولی نکشید که جنگ احد رخ داد، او در این نبرد به شهادت رسید. (10) نتیجه این که رزق و روزی معنی گسترده ای دارد و شامل مواهب معنوی نیز می شود، بنابراین اگر ما خدا را با عنوان یا رزّاق، و یا رازق خواندیم، روزی های معنوی را نیز در نظر بگیریم، بلکه بیشتر به این نوع روزی ها توجه کنیم. چرا که غذای روح، بسیار مهم تر از غذای جسم است.

و در مورد توفیق - که در آغاز دعای مذکور آمده - نیز باید توجه داشت که عامل اصلی، و کلید گشاینده همه ارزش ها و ترک گناهان است، توضیح این که واژه توفیق از ماده وفاق و توافق است و منظور از آن این است که کارهای انسان، موافق فرمان خدا و بر وفق مراد، و هماهنگ با اهداف و مقصود، سهل و آسان گردد، و اسباب کار، فراهم شود و به اصطلاح مقتضی موجود، و هرگونه مانع، مفقود باشد تا انسان با اشتیاق و با کمال راحتی و روانی، به انجام کار همت نماید.

به عبارت روشن تر توفیق، یاری و عنایت خاص الهی است که به بندگان شایسته اش می دهد، در مقابل خذلان، که به معنی آن است که خدا او را به خودش واگذارد. خداوند در قرآن می فرماید: «ان ینصرکم اللّٰه فلا غالب لکم و ان یخذلکم فمن ذالذی ینصرکم من بعده...»؛ (12) اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد، و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او شما را یاری کند؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.» البته باید توجه داشت که یاری و عنایت الهی به بنده اش، بستگی به آمادگی و لیاقت بنده دارد، او باید با شناسایی عوامل و زمینه سازی در این راستا به استقبال توفیق الهی برود، و گرنه در وادی خذلان الهی سقوط می کند، چنان که گفته اند:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست || در باغ لاله روید و در شور زار خس

با توجه به این که امیرمؤمنان علی (ع) در گفتار گوناگونی فرمود: «توفیق عنایت الهی است، توفیق نخستین نعمت است، توفیق سرلوحه سعادت و رستگاری، و سر سلسله اصلاح و برترین عمل است، و هیچ رهبر و

راهنمایی برتر از توفیق نیست و هیچ نعمتی ارجمندتر از نعمت توفیق نیست.» (13)

امام صادق (ع) در معنی توفیق فرمود: «هرگاه بنده ای فرمان خداوند را بجا آورد، کار او موافق و هماهنگ با فرمان خدا است، و چنین بنده ای به عنوان بنده موفّق نامیده می شود، و هرگاه بنده ای اراده گناه کند، ولی یاری خداوند بین او و گناه جدایی بیندازد، و در نتیجه او از گناه پرهیز کند، چنین بنده ای به توفیق الهی نایل شده است و اگر خداوند بین او و گناه مانع نشود، نشانه آن است که او را به خودش واگذارده و در نتیجه او را از توفیق محروم ساخته است.» (14)

بنابراین توفیق، با ارزش‌ترین موهبت الهی است، و به اصطلاح رفیقی است که به هر کس ندهندش، چنان که پر زیبای طاووس را به کرکس نخواهند داد، نتیجه این که اگر بخواهیم به سعادت همه جانبه برسیم و برای انجام وظیفه آماده شویم، و خشنودی و یاری الهی را کسب کنیم باید به ایجاد عوامل توفیق همّت کنیم، عواملی مانند: سلامتی روح و جسم، وراثت نیک، محیط سالم، غذای پاک، همنشین شایسته، اعتماد به نفس، توکل به خدا، اراده نیرومند، ریاضت و زحمت، صبر و حوصله، برقرار نمودن رابطه تنگاتنگ با خدا و به طور کلی دین‌مداری، و نیز باید از عوامل ضد توفیق پرهیز کنیم. که همان عوامل ضد عوامل مثبت است، که همچون آفتی ویران‌گر موجب نابودی توفیقات خواهد شد.

مسأله توفیق به قدری مهم است که در بسیاری از گفتار و دعا‌های پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) آمده، بلکه در بسیاری از آنها در سرلوحه نیایش آنها قرار گرفته است. به عنوان نمونه نظر شما را به چند فراز جلب می‌کنیم:

1- امیرمؤمنان علی (ع) در سرآغاز فرازی از خطبه اش می‌فرماید: «نحمده علی ما وُفّق له من الطّاعة، وزاد عنه

عن المعصية؛ (15) خدای را سپاس گوئیم که ما را توفیق اطاعتش و ترک گناهانش بخشیده است.»

2- امام سجاد (ع) در فرازی از دعایش به خدا عرض می‌کند: «و وُفّقنی للّتی هی ازکی؛ (16) خدایا مرا به آنچه که پاک‌ترین است موفق کن.» و در فراز دیگر عرض می‌کند: «خدایا! در ماه رمضان مرا برای درک شب قدر توفیق بده، به گونه ای که در صف محبوب‌ترین و پسندیده‌ترین بندگان درگاهت قرار گیرم.» (17)

3- و در قسمت آخر عهدنامه مالک اشتر، حضرت علی (ع) آن را با این فراز به پایان می‌رساند: «و از خدا می‌خواهم که با رحمت گسترده و نیروی بی‌کران که در برآوردن هر حاجتی دارد، مرا و تو را در هرچه رضای او است توفیق دهد.» (18)

و در نامه به قثم بن عباس می‌نویسد: «وُفّقنا الله و ایاکم لمحابة؛ (19) خداوند ما و شما را بر آنچه دوست دارد موفّق کند.»

نتیجه این که توفیق از امور بسیار پراهمیتی است که همواره مورد نظر پیامبران و امامان و اولیاء خدا بوده، و مانیز برای تحصیل امتیازات عالی انسانی، باید با مرکب توفیق به پیش رویم، و از به دست آوردن آن در همه ابعاد، با ایجاد زمینه‌های غافل‌نمانیم، که سنگ زیرین کاخ ترقی و تعالی است، چنان که امام علی (ع) فرمود: «لاینفع اجتهداً بغير توفیق؛ هیچ کوششی بدون توفیق به ثمر نمی‌رسد.» (20) و نیز فرمود: «مشتاقانه به استقبال توفیق روانه شوید که توفیق اُس وثیق (اساس مطمئن) است.» (21)

1. نامه اخلاقی عرفانی امام خمینی (که به نوه اش آقای سید علی خمینی اهدا شده) مجموعه آثار، شماره یک، نشر کنگره اندیشه های اخلاقی - عرفانی امام خمینی، ص 168.
2. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 5، ص 167؛ بحار، ج 93، ص 300.
3. شیخ تقی الدین کفعمی، مصباح کفعمی، ص 305؛ سید بن طاووس مهج الدعوات، ص 294.
4. محدث قمی، الکنی و الالقب، ج 3، ص 116؛ فوائد الرضویه، ص 7 و 8.
5. سوره حج، آیه 50.
6. مفردات راغب، ج 14، ص 135، و ج 18، ص 16.
7. بحارالانوار، ج 98، ص 247.
8. همان، ج 95، ص 258.
9. همان، ج 97، ص 89، برای اطلاع بیشتر به این موارد به المعجم المفهرس بحار الانوار، ج 12، ص 8436 تا 8438 مراجعه گردد.
10. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 3، ص 507.
11. بحارالانوار، ج 78، ص 41.
12. سوره آل عمران، ص 160.
13. غررالحکم، میزان الحکمة، ج 10، ص 590 و 591.
14. توحید صدوق، ص 242.
15. نهج البلاغه بنیاد، خطبه 185، صبحی صالح، خطبه 194.
16. صحیفه سجادیه، دعای 20.
17. بحارالانوار، ج 98، ص 102.
18. نهج البلاغه، نامه 53.
19. همان، نامه 67.
20. غررالحکم.
21. همان.